

درس پنجاه و هشتم – نگاهی به nirgend و irgend در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 13, 2018

سلام دوستان ،

در این درس گرامری می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به **irgend** و **nirgend** که می توانند با واژگان پرسشی ما ترکیب شده و لغاتی با مفهوم های جدید بسازند.

در واقع ما می توانیم **irgend** و **nirgend** را متضاد های یکدیگر بدانیم ، به زبان ساده تر **irgend** با هر واژه پرسشی ترکیب شود به آن مفهوم (هر یا یک) را اضافه میکند و **nirgend** (هیچ) را اضافه میکند.

از طرف دیگر ما **nirgend** را می توانیم شکل منفی شده **irgend** بدانیم، یعنی اینکه **irgend** همواره نگاه مثبت دارد ، به هر جایی ، به یک جایی ، به هر چیزی ، به یک چیزی ، به هر شکلی ، به یک نحوی ، ولی **nirgend** نگاهی کاملاً منفی دارد و کاملاً جمله را با مفهومی منفی بیان میکند.

اما واژگان پرسشی که می توانند با **irgend** و **nirgend** ترکیب شوند به ترتیب زیر می باشند :

wann, was, wie, wo, woher, wohin

که پس از ترکیب شدن واژگان زیر را می سازند :

irgendwann یک زمانی ، یک وقتی ، هر زمانی ، هر وقتی

irgendwas یک چیزی ، هر چیزی

irgendwie یک جوری ، هر جوری

irgendwo یک جایی ، هر جایی

irgendwoher از یک جایی ، از هر جایی

irgendwohin به یک جایی ، به هر جایی

اما چنانچه nirgend با واژگان پرسشی مذکور ترکیب شوند ، کلمات زیر را می سازند :

nirgendwo هیچ کجا ، در هیچ کجا

nirgendwoher از هیچ کجا

nirgendwohin به هیچ کجا

البته ما خود nirgends را هم داریم که به مفهوم زیر می باشد :

هیچ کجا ، در هیچ کجا

به مثال زیر توجه کنید :

Ich habe ihn nirgends gesehen

من او را هیچ کجا ندیده ام

چند مثال و پایان این درس :

Wohin möchtest du reisen?

Nirgendwohin, ich finde es zuhause am Schönsten

به کجا دلت می خواد سفر کنی؟

به هیچ کجا ، من گمان میکنم (هیچ کجا) خانه نمیشه!

Ich kann den Schlüssel nirgendwo finden

من آن کلید را نمی توانم در هیچ جایی پیدا کنم.

البته در درس گرامری قبلی نگاهی کامل تر داشته ایم به irgendwann اما در اینجا تنها یک مثال میزنیم :

Irgendwann müssen wir alle sterben

یک وقتی یا یک زمانی باید همه ما بمیریم

تفکر فارسی : همه ما بالاخره به روزی می میریم

Du bist so blass, ist irgendwas passiert?

تو خیلی رنگت پریده ، یک چیزی اتفاق افتاده؟

در تفکر فارسی : خیلی رنگ و رو رفته ای ، چیزی شده؟

Ich fühlte mich irgendwie schuldig

یه جورایی احساس گناه میکردم

Irgendwoher konnte er ein wenig Deutsch

از یک جایی می توانست او کمی آلمانی صحبت کند.

Er war bereits irgendwohin verschwunden

او قبلاً به یک جایی گم و گور شده بود

او پیش از اینها به یک جایی غیب شده بود

Ich gehe nirgendwohin, ich bleibe hier

من به هیچ جایی نمیروم ، اینجا می مانم

من به هیچ کجا نمیروم ، اینجا می مانم

Nirgendwo anders auf der Welt ist es so schön wie hier

هیچ جایی دنیا به اندازه اینجا زیبا نیست!

در هیچ جایی دیگر دنیا به اندازه اینجا زیبا نیست!

نکته گرامری : ما همیشه در جواب به **wo** از **irgendwo** یا **nirgendwo** استفاده میکنیم و همین نکته برای دیگر واژگان پرسشی که می توانند با **irgend** و **nirgend** ترکیب شوند ، صدق میکند.

wo -> irgendwo, nirgendwo

wohin -> nirgendwohin

و ...

درست همانند فارسی که ما آگه از کسی به پرسیم : به کجا میروی؟ او در جواب می گوید : به هیچ کجا یا اینکه به یک جایی میروم.

یکبار دیگر به مثال زیر توجه کنید :

Wohin möchtest du reisen?

Nirgendwohin, ich finde es zuhause am Schönsten

به کجا دلت می خواد سفر کنی؟

به هیچ کجا ، من گمان میکنم (هیچ کجا) خانه نمیشه!

سوال با **wohin** پرسیده شده است و آنگاه در جواب برای پاسخ منفی دادن از **nirgendwohin** استفاده کردیم و در بخش دوم جمله ، دلیل اینکه انتخاب ما **nirgendwohin** است را ذکر کرده ایم ، چون عقیده داریم یا باور داریم که هیچ کجا همانند خانه نمیشود!

Wohin gehst du?

Nirgendwohin

به کجا میری؟

به هیچ کجا

Du bleibst zu Hause und gehst nirgendwohin

تو در خانه می مانی و به هیچ کجا نمیروی!